

داخل علیه جولانی اتفاقاتی رخ دهد. از طرف دیگر حوثی‌ها کار خودشان را پیش می‌برند و در چارچوب همان گفت‌وگو مقاومت جلو می‌روند. در عراق به یک اشکالی می‌توان گفت که روند به نفع ایران در حال جلو رفتن است. ظاهراً حرفی از انحلال حشدالشعبی نیست و قرار است به عنوان یک موجودیت مستقل و موازی به رسمیت شناخته می‌شود. بنابراین هنوز نمی‌شود گفت که کدام بازیگر در موضع ضعیف‌تری است. به همین دلیل هم هست که تصمیمی که در ایران برای مذاکره با آمریکا گرفته شده، بسیار تصمیم عقلانی است. به این دلیل که در این فضای سیال اگر بتوانید بر آن نقاط ضعف خودتان چیره بشوید موفق خواهید شد نقش آینده خودتان را در منطقه تا حدی تضمین کنید. برای بیرون آمدن از بحران نیاز به بازیگری است؛ اگر این بازیگری رخ داده باشد، چرا که نه.

۴ به عنوان آخرین سوال آینده حزب‌الله را در لبنان چطور می‌بینید؟ ظاهراً دولت نواف سلام چندان تمایلی به اعمال فشار بر حزب‌الله ندارد. هرچند ارتش لبنان در جنوب کار خودش را به پیش می‌برد. آیا این احتمال وجود دارد که حزب‌الله در آینده به یک جنبش سیاسی تبدیل شود؟ چرا که پایگاه رای فرقه‌ای دارد و این پایگاه رای در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است...

مسئله دولت نواف سلام در بر خورد با حزب‌الله صرفاً تمایل نیست بلکه توان هم هست. یعنی نوعی واقع‌بینی ناشی از شرایط داخلی لبنان و شرایط منطقه در میان است. این برمی‌گردد به پایگاه اجتماعی حزب‌الله. این واقعیت است که در جریان جنگ غزه، ضربه قابل توجهی به پایگاه اجتماعی حزب‌الله وارد شد؛ نه فقط در کلیت جامعه لبنان بلکه در میان شیعیان لبنان. در سال ۲۰۰۰ و در سال ۲۰۰۶ همه لبنانی‌ها حزب‌الله را به عنوان جنبش مقاومت می‌دیدند. اما بسیاری از اینها این بار ورود حزب‌الله به جنگ غزه را غیرضروری می‌دیدند. نباید فراموش کرد که در سراسر منطقه یک موج ملی‌گرایی عربی، نه به معنای پان عربسیم‌ناصریستی، داشتیم. اعتراضات جنبش تشرین را در سال ۲۰۱۹ در عراق داشتیم. در لبنان مکرر اعتراضاتی را داشتیم که نوک حمله‌اش به سمت حزب‌الله بود و در این فضای شکننده طبیعتاً ورود حزب‌الله به جنگ خود به خود به این فضا به بُعد منفی دامن زد. آقای سلام با عون خوب می‌دانند که فشار بیش از حد بر حزب‌الله می‌تواند پایگاه اجتماعی این گروه را دوباره احیا و بازسازی کند. سوال این است که اساساً نظامی‌گری شیعه در لبنان چرا به وجود آمد؟ ملی‌گرایی در لبنان و فراملی‌گرایی مبتنی بر مقاومت بحث‌های موخر بودند. بحث‌های محلی و جنبش امل مقدم بودند. بعد حزب‌الله ایجاد شد. در واقع بحث اصلی حمایت از پایگاه شیعه و جلوگیری از منزوی شدن شیعیان در لبنان بود. در سطح ملی نقش حزب‌الله به چالش کشیده شده اما در سطح محلی هنوز پتانسیل دارد. اگر این پتانسیل به شکل منفی فعال شود ممکن است ثبات را در کلیت لبنان به خطر بیاندازد. این را آمریکایی‌ها هم می‌دانند. روندی که شاهدش بودیم اینطور نبوده که تقابلی در کار باشد و پایگاه‌های حزب‌الله به زور در اختیار ارتش قرار بگیرد. حزب‌الله خودش در بسیاری از موارد این کار را انجام داده. در موارد دیگر اسرائیل اطلاعات مربوط به پایگاه‌های حزب‌الله را در اختیار ارتش لبنان قرار داده و حزب‌الله با ارتش گفت‌وگو و همکاری کرده است. امید حزب‌الله به این است که بتواند زمان بخرد تا بتواند از شوک‌های ناشی از ضرباتی که خورده رها شود. از طرف دیگر مسئولیت دفاع از لبنان و حفظ تمامیت ارضی لبنان را متوجه دولت لبنان بکنند.

در سخنرانی آقای نعیم قاسم هر بار که حمله‌ای از سوی اسرائیل رخ می‌دهد، ایشان مسئولیت را متوجه دولت لبنان می‌کند. معنایش این است که حزب‌الله صبر می‌کند و خودش را احیا می‌کند و هر چقدر که دولت لبنان در جلوگیری از حملات اسرائیل ناتوان باشد در بلندمدت باعث خواهد شد که اعتبار دولت لبنان از بین برود و این در نهایت به نفع حزب‌الله است. این کلیت رویکرد حزب‌الله است. من فکر نمی‌کنم که حتی با وجود فشار آمریکا، دولت لبنان فشار زیادی بر حزب‌الله وارد کند و به زور حزب‌الله را خلع سلاح کند. اما نکته مهم این است که طبیعتاً در داخل حزب‌الله آن یک‌دستی و وحدتی که در زمان آقای سیدحسن نصرالله بود، وجود ندارد. طیف‌های مختلف در درون حزب‌الله رویکردهای مختلفی دارند. از گزارش‌های منابع لبنانی مشخص است که طیفی در درون حزب‌الله بیشتر به بازیگری سیاسی حزب‌الله در کوتاه‌مدت و آرام‌کردن فضا و همکاری با دولت اعتقاد دارد و طیف دیگری هم معتقد به اقدامات تندتری است. بنابراین ممکن است خودسری اتفاق بیفتد. ممکن است انشعابات هم در درون حزب‌الله رخ بدهد.

به نظرم در درون حزب‌الله درباره چند موضوع اختلاف‌نظر وجود دارد. نخست، همکاری و میزان همکاری با دولت لبنان، دوم، ادغام با عدم ادغام حزب‌الله در ارتش لبنان. برخی موافقت و برخی مخالف. موافقان می‌گویند اگر ۱۰۰ هزار شیعه وارد ارتش لبنان شوند اساساً ارتش لبنان متحول می‌شود. مورد سوم هم بحث نوع تقابل با اسرائیل است. برخی معتقدند این بحث باید به دولت واگذار شود و برخی معتقدند که حزب‌الله باید مستقل بر خورد کند. بحث دیگر هم نوع رابطه با ایران است. برخی در درون حزب‌الله از ایران دلخور هستند و معتقدند که ایران باید بیشتر به حزب‌الله کمک می‌کند. بنابراین اگر این دو دیدگاه نتوانند به یک توافق معقول و مقبولی دست پیدا کنند و اگر ناراضی‌تری در سطح محلی افزایش پیدا کند، احتمال خارج شدن اوضاع از کنترل چه به صورت بازگشت حزب‌الله به نظامی‌گری و چه به صورت انشعاب در درون حزب‌الله وجود دارد.



ایجاد یک فضای اثبات منطقه‌ای. چه از طریق دستیابی به همونی نظامی و یا از طریق دستیابی به یکسری توافقات پایدار در منطقه. وقتی می‌بینید که نمی‌توانید به لحاظ نظامی به ابزار مورد نظران دست یابید، بهترین کار این است که از طریق دیپلماتیک به آن ابزار برسید. من اهمیت ابزار مالی و سیاسی را کمتر از بحث نظامی نمی‌دانم. اگر درست از کارت‌هایی که دارید استفاده کنید از ابزارهای مالی هم می‌توانید نتیجه بگیرید و این کاری است که عربستان در حال انجامش است.

من فکر می‌کنم هنوز ما برنده و بازنده قطعی در منطقه نداریم. کل منطقه به لحاظ سیاسی و امنیتی و تا حد زیادی به لحاظ اقتصادی در حال گذار است. من مجموعه اتفاقاتی که در منطقه افتاده را تقابل نظم‌ها نام‌گذاری می‌کنم. ما شاهد سه رویکرد و چشم‌انداز اصلی به نظم در منطقه بوده‌ایم. اول رویکرد ایرانی است که مبنایش این است که ایران و شرکایش در محور مقاومت به عنوان بازیگر مشروع به رسمیت شناخته شوند، آمریکا از منطقه خارج شود و اسرائیل منزوی شود و یک نوع موازنه مبتنی بر مفاهمه با کشورهای عربی برقرار شود. در مقابل نظم مدنظر اسرائیل است که دقیقاً در نقطه مقابل چشم‌انداز ایران است. در چشم‌انداز اسرائیلی بحث منزوی کردن ایران، حفظ آمریکا در منطقه و ایجاد نظم هژمونیک مبتنی بر توافق آبراهام اهمیت دارد. اسرائیل می‌خواهد این توافقات با حفظ سطحی از برتری خودش در منطقه اجرا شود. نظم ایرانی نوعی نظم استثناگرا و در عین حال مبتنی بر موازنه بود. اما نظم اسرائیلی دیدگاه مبتنی بر نظم هژمونیک است. رویکرد سوم چشم‌انداز کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس است. البته می‌دانیم که بین خودشان اختلاف زیاد است اما ما به اشتراکات کار داریم. وقتی بحث چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان و بحث امارات ۲۰۷۵ را نگاه می‌کنیم می‌بینیم که به برقراری نوعی ثبات و کاهش تنش‌ها که در داخل خودشان و در منطقه نیاز دارند و چیزی در ابتدا می‌گفتند این بود که ما برای حفظ ثبات باید با هر دو طرف ماجرا ارتباط برقرار کنیم و سعی کنیم که به یک نوع نظم مبتنی بر کنسرت و جامعیت منطقه‌ای برسیم.

اما در نتیجه جنگ در غزه، اتفاقی که رخ داده این است که هم چشم‌انداز ایرانی و هم چشم‌انداز اسرائیلی ضعیف شده است. اسرائیل به لحاظ استراتژیک و امنیتی دست بالاتر را در منطقه پیدا کرده اما به لحاظ سیاسی ضعیف‌شده است. از طرف دیگر آن چشم‌انداز ایدئولوژیکی که ایران مبنای عملش بود، در افکار عمومی منطقه حامیان بیشتری یافته است و این حمایت قدرت گفت‌وگویی ایران را افزایش می‌دهد. دست کم برداشت سیاست‌گذار ایرانی این است. از طرف دیگر نکته کلیدی این است که رویکرد اسرائیل در سوریه مورد انتقاد است. حتی تحلیلگران اسرائیلی هم منتقد این رویکرد هستند. اخیراً مقاله‌ای در فارن افرز منتشر شد درباره گسترش بیش از حد اسرائیل در سوریه و نسبت به این سیاست هشدار داده بود. چون این رویکرد رنگ خطری را در بین کشورهای عربی و در ترکیه به صدا درمی‌آورد. آنها به طور طبیعی سعی می‌کنند تا با آن طرفی که اسرائیل با آن دشمنی دارد و احساس تهدید می‌کند، به ضرر اسرائیل ائتلاف کرده و موازنه‌سازی کنند. این تحولات در منطقه در جریان است. به همین خاطر من معتقدم که هر کدام از این بازیگران با ادراکی که نسبت به فضای ژئوپولیتیک منطقه دارند، سیاست خودشان را تعیین می‌کنند و در این فضا باید نگاه بلندمدت‌تر داشته باشیم. لزوماً خارج شدن ایران از سوریه و حتی توافق عادی‌سازی بین اسرائیل و سوریه که فکر می‌کنم دیر یا زود اتفاق خواهد افتاد، به معنای انزوای کامل ایران نخواهد بود. نظر بگیرد که کارهایی که جولانی در سوریه انجام می‌دهد بر خلاف خواسته‌های بسیاری از کسانی است که به او کمک کردند تا به قدرت برسد. هیئت تحریرالشام هنوز در سوریه وجود دارد. ممکن است از

را به عنوان یک بازیگر مشروع و دارای منافع قابل قبول در منطقه به رسمیت شناخته و بالاتر از آن به نوعی از شکل‌گیری نظم جمعی که ایران و کشورهای منطقه در آن بتوانند با هم همکاری داشته باشند، حمایت می‌کند. اگر این را بگذاریم در کنار روندهای اخیر در روابط آمریکا و اسرائیل باید گفت که این نظم در منطقه می‌تواند سیگنالی به اسرائیل باشد مبنی بر اینکه اگر رویکرد یک‌جانبه‌گرایانه در پیش بگیرد ممکن است از ترتیبات جدید منطقه‌ای کنار گذاشته شود. یعنی این می‌تواند برای آمریکایک بازی برد-برد باشد و تأمین‌کننده منافع ایران و کشورهای منطقه هم باشد. منتهی در اینجا جزئیات خیلی مهم است و به نظر می‌رسد که بحث غنی‌سازی چالش اصلی در کوتاه‌مدت و بلندمدت خواهد بود.

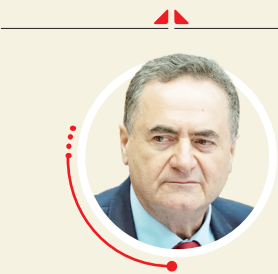
۴ من یک تصویری از منطقه ارائه می‌کنم و دوست دارم که شما بگویند با این تصویر موافق هستید یا خیر و در این تصویر چه نقشی برای ایران متصور هستید. در دو سال گذشته ایران با تنش‌های امنیتی مواجه شد. با اسرائیل دو بار به طور مستقیم درگیر شد. مجبور شد از سوریه خارج شود. حزب‌الله و حماس هم وضعیت‌شان مشخص است. در عراق هم اخیراً تحولاتی رخ داده و به نظر می‌رسد که دولت عراق به سمت تغییر رویکردهای حکمرانی خود حرکت می‌کند تا خودش را با تحولات جدید منطقه هماهنگ کند. ایران یکسری از ابزارهایش را از دست داده است. البته من حوثی‌ها را نیروی نیابتی ایران نمی‌دانم. چون آنها داستان مجزایی دارند و آقای عبدالملک بدرالدین، خودشان را بالاتر از این می‌دانند که از ایران دستور بگیرد. از خاندانی می‌آید که جد اندر جد رهبر بوده‌اند و برای خودش جایگاهی قابل است. در سوریه ترکیه را می‌بینیم که فعلاً دست برتر را دارد. رقابتی هم بین عربستان و ترکیه بر سر سوریه می‌بینیم. ظاهراً آمریکایی‌ها خیلی هم مایل نیستند که ترک‌ها در سوریه قادر مطلق باشند. دیدار آقای احمد الشرع با ترامپ در ریاض بسیار مهم بود. به نظر می‌رسد که اختلافات ترکیه و اسرائیل در سوریه به برای آمریکا بسیار مهم است. اما ظاهراً عربستان در بین ایران، ترکیه و اسرائیل، به نظر ضعیف‌ترین است. اگر قدرت مالی‌اش را کنار بگذاریم توان تزریق قدرت‌ش در منطقه ضعیف‌تر است. در این میان چه نقشی برای ایران درنظر می‌گیرید؟ ایران که نمی‌تواند راه رفته چند سال گذشته با عربستان را برگردد و زیر همه چیز بزند. اگر فرض کنیم که توافقی با آمریکا حاصل شود، ایران چه چیزهایی را باید بپذیرد. یا از روی تمایل یا از روی بی‌میلی؟

از چه جهتی عربستان را ضعیف‌تر می‌دانید؟
۴ من خیلی برای قدرت مالی اثرگذاری جدی قائل نیستم و به نظرم اهرم‌های آسیب‌زننده یا تخریبی سه قدرت دیگر بیشتر از عربستان است. البته دوست دارم نظر شما را هم بدانم...
 این بحث جالبی است. چون تفکیکی که دارید از بحث قدرت تسلی و ایجابی، قابل تأمل است. اینکه می‌گویند پتانسیل تخریبی کشورهای دیگر، چه ایران یا ترکیه و یا اسرائیل، بیشتر است را می‌شود تا حد زیادی پذیرفت. اما نکته‌ای که به نظرم به عربستان قدرت می‌دهد بحث انعطاف‌پذیری در سیاست خارجی است. این نکته‌ای است که ما چندین بار در موضوعات مختلف شاهدش بوده‌ایم. تغییر جهت اساسی که عربستان در موضوع یمن و ایران انجام داد، مهم است. در موضوع همکاری با چین، هم‌زمان با روسیه و آمریکا نیز عربستان انعطاف زیادی نشان داد. سیاست خارجی بن‌سلمان در عربستان، فارغ از قضاوت ارزشی، دقیقاً سیاست خارجی است که یک قدرت منطقه‌ای در یک فضای ژئوپولیتیکی بی‌ثباتی مثل خاورمیانه باید در پیش بگیرد. یعنی موازنه‌بخشی در روابط خودش با شرق و غرب و



آمادگی برای توسعه همکاری با ترکمنستان

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور اسلامی ایران، در دیدار رشید مردوف وزیر امور خارجه ترکمنستان، با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران علاقه‌مند به ارتقای سطح روابط و گسترش همکاری‌ها در عرصه‌های مختلف با همسایگان و به‌خصوص ترکمنستان است، اظهار داشت: «ایران علاوه بر علاقه‌مندی برای واردات گاز از ترکمنستان، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های کارآمدی نیز برای صادرات و سوآپ آن به کشورهای منطقه دارد.» وی ادامه داد: «عملیات احداث خط لوله انتقال گاز بین ایران و ترکمنستان باید به شکلی طراحی و اجرا شود که ظرفیت انتقال گاز برای هر سه منظور را داشته باشد.» رئیس‌جمهور افزود: «علاوه بر همکاری در زمینه تبادل گاز، جمهوری اسلامی ایران علاقه‌مند به گسترش همکاری‌های مشترک با ترکمنستان در عرصه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، سرمایه‌گذاری، راه، حمل و نقل، ترانزیت و دیگر بخش‌ها است.»



اتهام‌زنی جدید به ایران

رسانه‌های اسرائیلی مدعی بازداشت ۲ فرد به اتهام همکاری با ایران و تلاش برای ترور وزیر جنگ این رژیم شدند. رسانه‌های عبری گزارش دادند که دو فرد اسرائیلی ساکن شهر حیفاه ظن همکاری با نهادهای اطلاعاتی ایران و تلاش برای تعقیب و رصد «اسرائیل کاتس» وزیر جنگ اسرائیل، تحت بازجویی قرار دارند. در واکنش به این موضوع، یسرائیل کاتس اعلام کرد که دستگاه امنیتی شاپاک موفق به خنثی‌سازی این تلاش شده است. وی گفت: هیچ تهدیدی مرا از ادامه مسیر باز نخواهد داشت. ما همچنان برای مقابله با نفوذ ایران و جلوگیری از دست‌یابی آن به سلاح هسته‌ای تلاش خواهیم کرد.

آمادگی برای میزبانی از مذاکرات

وزیر امور خارجه ایتالیا با اشاره به پیگیری دقیق تحولات مذاکرات میان ایران و آمریکا، اعلام کرد که کشورش آماده میزبانی از دور جدید این گفت‌وگوها در رم است. به گزارش ایرنا، آنتونیو تایانی روز سه‌شنبه با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس از گفت‌وگوی تلفنی خود با رافائل گروسسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، درباره روند مذاکرات هسته‌ای ایران خبر داد و نوشت: «تحولات گفت‌وگوهای میان ایالات متحده و ایران را با دقت دنبال می‌کنیم و متعاضیم که موضوع هسته‌ای ایران باید از مسیر دیپلماتیک حل‌وفصل شود.» وی با تأکید بر حمایت کامل کشورش از فعالیت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تصریح کرد: «آمادگی داریم بار دیگر در شهر رم، میزبان مذاکرات آتی باشیم.»

ادامه سرمقاله

این واقعیت را هم باید پذیرفت که دسترسی مردم به رسانه‌های فرامرزی محدود و قطع شدنی نیست و یگانه راه بازسازی اعتماد مخاطب به رسانه‌های مستقل داخلی است.
 البته در این واقعیت تردیدی نیست که رسانه‌ها و منابع اسرائیلی درصدد القای شکست مذاکرات هستند و با انتشار اخبار جعلی قصد فضاسازی و تأثیر بر معادلات اقتصادی دارند و رسانه‌های مستقل داخلی معتبر با راستی‌آزمایی می‌توانند در دام بازی‌های خبری و تحلیل نیفتند.